

## باسمه تعالی

## دانش‌آموزان گرامی، سلام

جزوه‌ای که اکنون در دست دارید، بخشی از کلمات و جملات کتاب ارجمند «نهج البلاغه» است، که به صورت ساده و مختصر برای شما فراهم گردیده اما با همه کوچکی خود، به وسعت دریاهای بیکرانه، و به عظمت کوههای سر به فلک کشیده است. این کلمات و جملات، مانددانه‌های مروارید درخشان، که از اعماق دریایی سرشار از مرواریدهای ناب به دست آمده، مخصوص شما نوجوانان عزیز انتخاب شده و با بیانی ساده، به زبان فارسی امروز، نوشته شده تا برای شما به آسانی قابل درک و آموختن باشد. و از این راه، شما عزیزان راه، باکتایی که پس از قرآن، عالیترین و گرانقدرترین کتاب انسان سازی است، آشنا سازد.

این کتاب، مجموعه‌یی از گفتارها، پند و اندرزها، نامه‌ها و نوشته‌ها، سخنان کوتاه و پر مغز آن امام امیرالمومنین علی علیه السلام است، که توسط دانشمند بر جسته اسلامی، «سید رضی» در پایان قرن چهارم و آغاز قرن پنجم هجری، گرد آوری شده است.

«سید رضی» سخنان والا و نوشته‌های بی‌همتای امام علیه السلام را، در کتاب نهج البلاغه، به سه بخش اصلی تقسیم کرده که ترتیب آنها چنین است:

- ۱- خطبه‌ها
- ۲- نامه‌ها
- ۳- سخنان کوتاه

## درباره خطبه‌ها (سخنرانی‌ها)

در دوران حکومت آن حضرت، نماز تمام روزهای هفته به صورت جماعت خوانده می‌شد، همیشه برای ایراد خطبه، فرصت مناسب وجود داشت. امام علیه السلام نیز، هر گاه که مسئله فوری و مهمی پیش می‌آمد، که لازم بود با مسلمانان در میان گذاشته شود، بر منبر قرار می‌گرفت و به ایراد خطبه و روشنگری ذهن مسلمانان می‌پرداخت.

خطبه‌هایی که در نهج البلاغه گرد آوری شده، تنها ۲۴۱ خطبه، از صدها خطبه آن حضرت است. با این حال، بخش خطبه‌ها، در نهج البلاغه، از دو بخش بعدی که نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علیه السلام را در بر دارد، مفصل‌تر و بلندتر است.

خطبه‌های نهج البلاغه، بیشتر در موضوع توحید و خداشناسی، بحث درباره رسالت و معرفی مقام والای رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم مسائل و مباحث اسلامی و قرآنی، مسائل سیاسی و

اجتماعی جهان اسلام، ودعوت مسلمانان به شرکت در جهاد و استقبال از شهادت در راه خدا و دین خدا، بیان شده است .

### درباره نامه‌ها

بخش نامه‌های نهج البلاغه، شامل نامه‌هایی است که امام علیه‌السلام، پیرامون مسائل حکومت اسلامی وامت مسلمان، برای دوستان و نزدیکان، و حتی برای دشمنان خود نوشته است. همچنین نامه‌ها و فرمانهایی است که آن حضرت، برای فرمانداران و استانداران و مسئولان حکومتی امور مسلمانان نوشته، و در هر یک، عالیترین اصول حکومت و کشورداری، بهترین راه خدمت به مردم، و بخصوص حفظ حقوق افراد ضعیف و طبقه مستضعف را تعیین کرده، و کارکنان حکومت اسلامی را، به رعایت یکایک این دستورات، موظف ساخته است.

### درباره سخنان کوتاه

سومین بخش نهج البلاغه، در بردارنده سخنان کوتاه امام علیه‌السلام است که بیشتر آنها، از یک یا دو جمله فشرده تشکیل شده است. اما همین گفته‌های بسیار کوتاه و یکی دو جمله‌هایی، که بین مردم به «کلمات قصار» معروف شده، هر یک دریایی از معنی را در خود جای داده است. کلمات قصار علی علیه‌السلام بیشتر در بردارنده پند و اندرزهای آن حضرت، و راهنمایی‌های بی‌ظنیری درباره روش صحیح اعتقادی و تربیت اسلامی است.

پس از آشنائی مختصر با مطالب سه گانه نهج البلاغه، اکنون باید گفت که: نهج البلاغه، علاوه برداشتن مطالب عمیق و معانی والا و ارزنده، و مفاهیم انسان ساز خود، از لحاظ طرز نگارش نیز مقام ارجمندی دارد.

نثر این کتاب و شیوه نگارش حضرت، چنان شیوا و دلنشین است، که در زبان و ادبیات عرب، هرگز نظیری نداشته و بعدها در طول چند قرن نیز، نظیری برای آن پیدا نشده است. و از همین رو، برای آن نام نهج البلاغه یعنی «راه و روش شیوایی گفتار و رسایی کلام» انتخاب شده است.

### شریف رضی کیست؟

شریف رضی، معروف به «سید رضی» دانشمند بزرگ اسلامی در قرن چهارم هجری است که باگردآوری نهج البلاغه نام خود را در تاریخ اسلام جاودانه کرد .

سید رضی هم از سوی پدر، هم از سوی مادر، خاندان پاک و شریفی داشته که هر دو از نسل مبارک امام علی علیه‌السلام بوده‌اند.

سیدرضی در سال ۳۵۹ هجری قمری متولد شد و پس از یک زندگی کوتاه ولی پر ثمر ۴۷ ساله، در سال ۴۰۶ هجری درگذشت .

وی از کودکی، دوشادوش برادرشرفیض مرتضی به تحصیل دانش رفته بود، به زودی هوش فراوان و نبوغ سرشار خود را نشان داد، و از تمامی هم سن سالهای خود پیش افتاد. به طوری که در نخستین سالهای جوانی به عنوان یک دانشمند برجسته اسلامی شناخته شد و مورد احترام دانشمندان بزرگ آن زمان قرار گرفت.

سید رضی از آغاز جوانی، شروع به تحقیقات با ارزشی در زمینه قرآن و اسلام و مسائل اسلامی کرد. حاصل تلاشها و تحقیقات او، چند کتاب با ارزش بود که در قرنهای بعد نیز، همیشه مورد توجه دانشمندان جهان اسلام قرار گرفته است.

وی در زمینه شعرنیز نبوغ سرشاری داشت، چنانکه دانشمندان و شعر شناسان، با مطالعه اشعاری که از او باقی مانده است، وی را بزرگترین و بهترین شاعر عرب دانسته‌اند.

اما کتابی که نام او را جاودانه کرده، نوشته‌ها و اشعار و تحقیقات خودش نیست، بلکه گردآوری و تدوین همین کتابی که امروز، با نام «نهج البلاغه» در دنیا می‌درخشد. سید رضی، برای جمع آوری مطالب این کتاب نزدیک ۲۰ سال زحمت کشید . به دهها کتابخانه رفت و صدها کتاب را از آغاز تا پایان به دقت خواند. در آن کتابها، که هر کدام دهها سال پیش نوشته شده بود، آثار مختلفی از امام علی علیه‌السلام نیز وجود داشت. نویسندگان آن کتابها، هر کدام به مناسبت‌های مختلف، قسمتهایی از خطبه‌ها، نامه‌ها، سخنان کوتاه و پند و اندرزهای امام علیه‌السلام را نقل کرده بودند .

اما این آثار، در هیچکدام از آن کتابها، نظم و ترتیب درستی نداشت. بلکه هر نویسنده‌یی قسمتهایی از آثار امام را، در کتاب خود نقل کرده بود .

از این رو، سید رضی سعی و همت فراوان به کار برد و پس از سالها تحقیق و مطالعه، در سال ۴۰۰ هجری قمری، موفق شد آثار پراکنده امام را در سه بخش گردآوری کند و به صورت کتابی جامع، در جهان فرهنگ و اندیشه انتشار دهد .

باید دانست که نهج البلاغه نیز، در بردارنده تمامی آثار امام علی‌السلام نیست. اما از تمام کتابهایی که در زمینه گفته‌ها و نوشته‌های آن حضرت، پیش از سید رضی، تدوین و تألیف شده بود، پرمطلب‌تر و دارای نظم و ترتیب بیشتر و به کمال نزدیک است.

## فراز هایی از نامه ۳۱ نهج البلاغه:

لَوْ كَانَ لِرَبِّكَ شَرِيكٌ لَّاتَّكَرُّسُئْلُهُ. نامه / ۳۱

**ترجمه:** اگر پروردگارت شریکی می داشت، فرستادگان آن شریک (یعنی پیامبران آن خدای دیگر) نزد تو می آمدند.

**شرح:** خدا یگانه و بی همانند است. همه پیامبران نیز با هردینی که آمده اند، به انسانها آموخته اند که خدا یکی است. حال اگر غیر از پروردگار یگانه و بی شریک، خدای دیگری هم وجود داشت، او نیز از سوی خود، پیغمبرانی می فرستاد تا هم وجود او را به انسانها اعلام دارند، هم مردم را به سوی او دعوت کنند. ولی در طول هزاران سالی که از زندگی بشر می گذرد، و از میان ۱۲۴ هزار پیغمبری که برای هدایت مردم آمده اند، هرگز پیغمبری نگفته است: من، ازسوی خدایی دیگر، غیر از خدای یگانه، به سوی شما فرستاده شده ام. حال که در طول عمر بشر هیچ پیامبری نیامده که انسانها را به سوی خدای دیگری راهنمایی کند، دلیل بر آنست که خدای دیگری وجود ندارد.

سَلَّ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ. نامه / ۳۱

**ترجمه:** پیش از آنکه درباره راه پیرسی، درباره «رفیق راه» پیرسی.

**شرح:** «بگو رفیقت کیست، تا بگویم چگونه آدمی هستی». و شاعری، همین معنی را به شعر درآورده است: تو، اول بگو: با کیان زیستی؟ پس آنگه، بگویم که: تو، کیستی! سخن امام، این هشدار را می دهد که: انسان باید دقت کند و هنگام سفر، از رفیق راه و هم سفر بد و فاسد، پرهیز و دوری جوید؛ زیرا، همسفر فاسد، علاوه بر زیانها و ناراحتی هایی که تولید می کند، بر اثر همراهی و همنشینی و معاشرت پی در پی، در روحیه انسان، تاثیر بد می گذارد. و چه بسیار انسانهایی بوده اند که پس از مدتی رفت و آمد با افراد گمراه و فاسد، خود نیز، اندک اندک و ندانسته، به فساد و گمراهی کشیده شده اند.

فَأَحِبِّ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَأَكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لَهَا. نامه / ۳۱

**ترجمه:** آنچه که برای خود دوست می داری، برای دیگران نیز دوست بدار، و آنچه را که برای خود نمی پسندی، برای دیگران هم میسند.

**شرح:** «آنچه به خود نمی پسندی، به دیگران روا مدار». و ضرب المثل دیگری می گوید: «یک سوزن به خودت بزنی، یک جوالدوز به مردم». ما انسانها موظفیم همیشه خودمان را به جای دیگران بگذاریم، و با مردم طوری رفتار کنیم، که دوست داریم دیگران با ما همان طور رفتار کنند.

به نظر شما اگر ما تنها و تنها به همین دستور امیرالمؤمنین علیه السلام عمل کنیم و آن در زندگی فردی و اجتماعی خود جاری و ساری کنیم، بیشترین لذت را از زندگی خویش نخواهیم برد؟ و آیا اجتماع ما بهترین اجتماعات بشر نخواهد گردید؟

وَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَعَتْ فِي إِبْلَامِهِ، فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَبَّ بِالْأَدَبِ،  
وَالْبَهَائِمَ لَا تَتَعَبُ إِلَّا بِالضَّرْبِ.. نامه / ۳۱

**ترجمه:** از کسانی مباش که اندرز نمی پذیرند مگر هنگامی که آزار و عذابی به آنها برسد. شخص عاقل، با ادب و ملایمت اندرز می پذیرد، و چهارپایان هستند که جز با کتک، فرمان نمیبرند و به راه نمی آیند.

**شرح:** تربیت، روش های گوناگونی دارد که در انسانها و حیوانات متفاوت است. حیوانات معمولاً بوسیله کتک و تنبیه تأدیب می شوند و از صاحب خود فرمان می برند اما انسان که اشرف مخلوقات است، روش تربیتش متفاوت است. بسیاری از انسانها با اندرز و پندی که از دیگران می پذیرند، تربیت می شوند. پند و اندرزی که انسان عاقل با انتخاب خویش از پدر و مادر و بزرگترها و معلمین و کسانی که تجربه و دانش بیشتری دارند، می پذیرد وی را به بهترین راه ها رهنمون می شود. اما انسانهایی نیز هستند که پند و اندرز نمی پذیرند و راهنمایی های دیگران را بر نمی تابند و خلاف مصلحت خویش و جامعه حرکت می کنند؛ چنین انسانهایی ناخودآگاه، خود را تا حد حیوانات پایین

می آورند و نتیجه پندناپذیری اشان، تحمل آزار و تنبیهی است که از طرف جامعه متحمل و قانون خواهند شد.

وَ أَكْرَمُ عَشِيرَتِكَ... نامه / ۳۱

**ترجمه:** اقوام و خویشاوندان را گرامی و عزیز بدار.

**شرح:** درباره «صله رحم» در قرآن و روایات اسلامی، سفارش فراوان شده است، تاجایی که ترک آن - یعنی بجا نیاموردن صله رحم - از گناهان بزرگ به شمار آمده است. صله رحم چیست؟ صله رحم آن است که انسان، با اقوام و خویشاوندان خود، مناسبات و رفت آمدهای سالم و صمیمانه داشته باشد، با مهربانی و لطف و گرمی، به دیدار و احوال پرسی آنها برود، در حل مشکلات و رفع گرفتاری های آنان شرکت کند و هنگامی که آنها مشکل و نیازی داشته باشند، از کمک کردن به آنها خودداری نوزد. اگر ما با خانواده و خویشاوندان خود رفت و آمد داشته باشیم، و با مهربانی و نیک دلی و صمیمیت معاشرت کنیم، همیشه در جریان کارها و مشکلات و مسائل زندگی یکدیگر خواهیم بود، و در هنگام گرفتاری ها، به کمک همدیگر خواهیم شتافت و از نیروهای هم، برای حل مشکلات و سازندگی در راه زندگی یکدیگر، کمک خواهیم گرفت.

وَ حِفْظُ مَا فِي يَدَيْكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَلْبِ مَا فِي يَدَيْ غَيْرِكَ. نامه / ۳۱

**ترجمه:** نگهداری از آنچه خود، در دست داری، در نظر من، از خواستن و جستجوی

آنچه در دست دیگری است، بهتر و دوست داشتنی تر است.

**شرح:** کسانی هستند که هیچگاه به آنچه دارند، راضی و قانع نمی شوند، دائماً در فکر بدست آوردن مال و ثروت بیشتر هستند، و تمام نیروی آنها، بجای آنکه صرف خودسازی و پیشرفت به سوی ایمان و تقوی شود، صرف کسب مال می شود. این گونه افراد، هر چقدر هم که بیشتر بدست می آورند، باز چشم و دلشان سیر نمی شود و نگاهشان به مال دیگران است. و گاهی، کار را به جایی می رسانند که شخصیت و عزت نفس خود را زیر پا می گذارند، تا برای مدتی کوتاه از آنچه دیگران دارند، استفاده کنند. اینکه انسان

برای بهره مندی از امکاناتی که دیگران دارند و در اختیار وی نیست، حاضر شود عزت نفسش را زیر پا بگذارد و شخصیت خودش را زیر پا بگذارد، امری است نکوهیده که تمام وجدان های بیدار آن را نکوهش می کنند. به همین دلیل علی علیه السلام به فرزند خویش می فرماید، شاید آنچه در دست توست اندک باشد، اما به همین اندک راضی بودن، محبوبتر است از آنکه به دست دیگران نگاه کنی و آن را طلب و آرزو نمایی.

وَ الْحِرْفَةُ مَعَ الْعِفَّةِ خَيْرٌ مِنَ الْغِنَى مَعَ الْفُجُورِ. نامه / ۳۱

**ترجمه:** کارگری، همراه با پاکدامنی، بهتر از داشتن ثروتی است که با گناه کاری به دست آمده باشد.

**شرح:** در این بیان، علی علیه السلام غنا و ثروت را در صورتی نکوهیده می داند که همراه با گناه و ظلم و جور باشد؛ زیرا در این حالت، اگرچه شخص ثروتمند در ظاهر از نعمتهای دنیا بهره مند است و کمبودی ندارد، اما در کنار این ثروت و راحتی چه بسا حقوقی را پایمال و ظلمهایی را روا بدارد. اما کسی که کار کم درآمدی دارد، ولی با تقوی و پاکدامنی آن را انجام می دهد، و به خیانت و ظلم آلوده نمی شود، دل راحت و فکر آسوده دارد. چنین کسی، چون درآمدش حلال و پاک است، حقی را پایمال نکرده و مال کسی را نخورده است، کمترین نگرانی و دلهره و وحشتی هم ندارد. اگر سفره اش رنگین نیست ولی در عوض با وجدان پاک و فکر آسوده بر سر آن می نشیند، و شب که به بستر می رود، دچار کابوسهای وحشت آور نمی شود و راحت و آسوده می خوابد، و سحرگاه، آرام و سبک بار بیدار می شود، و خوشبختی واقعی را با تمام وجودش حس می کند. بخاطر همین است که امام علیه السلام نیز، کار کم درآمد، ولی همراه با پاکدامنی را از ثروتی که همراه با گناه باشد، بهتر شمرده اند.

قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَ بَايِنِ أَهْلَ الشَّرِّ تَبِنِ عَنْهُمْ؛ نامه / ۳۱

**ترجمه:** با خوبان معاشرت کن تا از آنان باشی و از بدان دوری کن تا از آنان نباشی.

**شرح:** انسان طبیعتاً احتیاج دارد تا با دیگران رفت و آمد داشته باشد و برای خود دوستی را انتخاب نماید. و یقیناً همه انسانها لیاقت دوستی و همراهی ندارند، چه بسا اشراری باشند که دوستی با آنها، انسان را شرور می سازد و در جرگه آنان داخل می گرداند. از سویی دیگر، دیگران در بسیاری از اوقات، با مشاهده دوستان و نزدیکان در مورد انسان قضاوت می کنند. علی علیه السلام نیز در این فراز از کلام خویش، فرزندشان را به معاشرت با خوبان دعوت می کنند تا دیگران وی را از اهل خیر و نیکی قلمداد نمایند و همچنین وی را از همراهی اشرار بر حذر می دارد تا دیگران وی را از اهل شرور و بدی قلمداد ننمایند.

تَجَرَّعَ الْغَيْظَ فَإِنِّي لَمْ أَرْ جُرْعَةً أَحْلَى مِنْهَا عَاقِبَةً وَلَا أَلَدَّ مَغَبَّةً؛ نامه / ۳۱

**ترجمه:** جرعه‌های خشم را فرو خور که من جرعه‌ای با سرانجامی شیرین‌تر و آینده‌ای گواراتر از آن ندیده‌ام.

**شرح:** خشم حالتی است، که در آن حالت انسان بدون فکر و تعقل، و بر اساس احساساتی که به هیچ وجه تحت کنترل نیست، دست به اعمالی می زند یا تصمیماتی می گیرد، که در اکثر قریب به اتفاق، باعث پشیمانی می شود و در بسیاری از موارد، انسان نمی تواند اثرات آن را جبران نماید. علی علیه السلام در این فراز، به فرزندشان نصیحت می کنند که خشم خود را آرام آرام و جرعه جرعه، همچون نوشیدن آب گوارا و شربتی شیرین، بنوشد؛ زیرا نتیجه این جرعه جرعه نوشیدن، آن است که انسان پشیمان نشود و عملی انجام ندهد که نتواند آن را جبران نماید.

إِمْحَضُ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ حَسَنَةً كَأَنْتَ أَوْ قَبِيحَةً؛ نامه / ۳۱

**ترجمه:** نصیحت خالص خود را برای برادرت مهیا ساز، خواه نیک باشد یا بد.

**شرح:** عمر انسان این اجازه را نمی دهد که ما همه چیز را تجربه کنیم. از این رو، بهترین و آسان‌ترین راه آن است که به تجربه‌ها و دانش دیگران، تا آنجا که ما را در مسیر رسیدن به اهدافمان کمک می کند استفاده کنیم. و هم چنین تجربیات خویش و دانش خود را در قالب راهنمایی و نصیحت در اختیار دیگران قرار دهیم، و چه کسی



سزاوارتر از دوست و برادر خودمان؟ علی علیه السلام می فرمایند: نصایح و تجربیات خود را برای برادرت مهیا ساز؛ حال چه این نصیحت و راهنمایی نیک باشد و دوست ما را خوشنود سازد، چه این راهنمایی و نصیحت نیک نباشد و برای لحظه ای رنجش دوستان را در پی داشته باشد. در هر صورت نیتمان آن است که برادر و دوستان را از مسیر کج و منحرف باز داریم، و این کار گاهی اوقات، او را خواهد رنجاند، اما چه باک، که اندکی رنجیدن او به مراتب بهتر است از لغزیدن وی.

مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَّةِ وَالْجَفَاءَ عِنْدَ الْغِنَى؛ نامه / ۳۱

**ترجمه:** چه زشت است خضوع (در برابر دیگران) به هنگام نیاز و جفا و خشونت به هنگام بی نیازی و توانگری.

**شرح:** زندگی اجتماعی، یعنی ارتباط با دیگران و تعامل با آنها. و در این ارتباط، همه به نوعی به یکدیگر وابسته اند تا رفع نیازها بشود؛ چرا که یک انسان قدرت برآوردن تمام نیازهای خویش را ندارد. اما عزت نفس انسان این اجازه را نمی دهد که نیازهایش را از هر طریقی برآورده سازد؛ تا آنجا که برخی برای برآورده شدن نیازهایشان، حتی حاضرند در برابر دیگران کرنش کنند و شخصیت خویش را زیر پا له کنند تا شاید نیازشان برآورده گردد. از سوی دیگر، آنان که قدرتی دارند و توانی، موظفند در حد توان خویش، نیازهای دیگران را برآورند، قبل از آنکه محتاجی، احتیاجش را بر زبان آورد. و چه زشت است که کسی در وقت توانگری و بی نیازی، به جای برآورده ساختن نیازها و احتیاجات دیگران، خشونت به خرج دهد و جفاکار گردد!

عَوْدٌ نَفْسِكَ الصَّبْرُ؛ نامه / ۳۱

**ترجمه:** خویشتن را بر استقامت در برابر مشکلات عادت ده.

**شرح:** طبیعت دنیا این چنین است که همراه مشکلات و ناکامی ها و رنج هاست. حال انسان می تواند در برابر این رنج و ناکامی یا جزع و فزع کند و خود را در برابر آنها بیازد و خود را تسلیم کند، یا آنکه در برابر آن بایستد و ناکامی و مشکل را به فرصتی تبدیل

نماید که در رنج ها و مشکلات آینده، بهترین بهره را از آن ببرد و سکوی پرشی باشد برای رسیدن به اهداف بالاتر و والاتر. و این امر میسر نیست مگر با صبر در برابر مشکلات و رنج ها. باید در برابر آن صبور بود و خود را نباخت و آن را تحت کنترل خویش درآورد. و این مهم نیز یکباره و ناگهانی ممکن نیست مگر آنکه انسان نفس خویش را آهسته آهسته در برابر مشکلات به صبر و مقاومت عادت دهد.

اداره قرآن عترت و نماز

اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان